

کاشی‌های ازاره حرم مطهر رضوی

دانشمندان و علماء بزرگ جامعه‌شناسی که در محیط آشفته کنونی زندگی میکنند سعی می‌باشند هویت ملت خود را بوسیله مدارک تاریخی بدنیا بشناسانند و مملکت ایران هم اجرای این نظر را مورد علاقه قرار داده‌است و جای بسی خوشوقتی و افتخار است که ملت ایران از قرون بسیار دور مدارک و اسناد و لوح‌ها و آثار باستانی گرانبهای دارد که خدمات پرافتخار نیاکانش را در بسط تمدن جهانی میتواند ارائه دهد و هویت ملت و قدمت تاریخی ایران را بمرض دید مال راقیه دنیا بگذارد و خوشبختانه مدارک عالی تاریخی این ملت کهن‌سال و آثار باستانی قرون گذشته ایران در تمام خاک و مملکت عزیز ما در شهرها و شهرک‌ها و در بیابان‌های وسیع ایران بچشم می‌خورد و هر یک از آثار باستانی ایران تابلو نمایشگر هنر و فرهنگ و دانش و بینش مردم این سرزمین است و جای بسی مسرت است که پهنه وسیع خراسان مشحون بانواع آثار باستانی است و جا بجا بنظر محققین و جویندگان آثار باستانی میرسد و از آثار مهم اسلامی منطقه خراسان ابنیه مرقد مطهر امام عیسی‌بن‌علی بن موسی‌الرضا ارواحنا فداه است که نزدیک دو اوزده قرن قدمت تاریخی دارد و هر یک از ابنیه این روضه مبارکه یکی از اعصار گذشته مربوط میگردد و

بکنفر محقق باید مدت‌ها صرف‌وقت کند تا بتواند بتمام خصوصیات و امتیازات و دقایق آثار ظریفه و عمیقه ابنیه آنجا واقف گردد.

نویسنده این وجیزه در نظر دارد تاریخچه کاشی‌های ازاره حرم محترم رضوی را که دارای بیش از هشت قرن سابقه تاریخی است و در معرفی آن سابقین اشتباهاتی دارند با ذکر مدارک متقنه موضوع را روشن سازد لذا اشعار میشود.

وقتی سینه‌ها منوره سفیه

هارون الرشید عباسی در سال ۱۹۳ قمری در سناباد طوس درگذشت و جسد او را در خانه حاکم دشت طوس (حمیدبن قحطبه طائی) واقع در سناباد دفن کردند و عبدالله مامون عباسی برای بقعه و گورابه پدرش چهار دیواری و سقف روضه مطهره را بنا نهاد و در سال ۲۰۲ قمری که مامون از مرو عازم بغداد بود حضرت رضا علیه السلام را در سناباد طوس مسموم و شهید کرد و چون قبر هارون در وسط بقعه مامونی وقوع داشت بدن مبارک و مطهر حضرت رضا را در بالاسر قبر پدرش نزدیک بضلع غربی حرم بخاک سپردند.

عرصه بنائی که مامون برای پدرش در سالهای بین ۱۹۳ تا ۲۰۲ ساخته بود بفاصله کمی شرف‌اندوز پذیرش اندام مبارک امام همام گردید و این بنا رفته رفته بنام مشهد معروف شد و شهری که در اطراف مزار متبرک امام بعدها بوجود آمد بنام مشهد مقدس اشتهار یافت.

بنای مامون عباسی تا عهد سبکتکین پدرسلطان محمود غزنوی پابرجا بود و بامر سبکتکین صدماتی بآن وارد آمد و سپس بدستور سلطان محمود غزنوی سوری بن معتر والی نیشابور مرمت آن پرداخت.

چون نوبت مملکت‌داری بسلاطین سلجوقی رسید ازاره حرم مطهر با کاشی‌های ظریف و لطیف مزین شد و اکنون قسمت اعظم کاشی‌های

مذکور که معروف بکاشی سنجری است باقی و موجود میباشد .
توضیحاً عرضه میدارم که کاشی‌های ازاره حرم را سلطان سنجر
تهیه نکرده است و معروفیت آن برخلاف واقع و دور از حقیقت است و
بعضی اعتقاد دارند که شرف‌الدین ابوطاهر بن سعد بن علی القمی که بانی
رباط شرف در اراضی چکودر (چکاب‌دره) سرخر است و مدت سی سال
حاکم مرو و در آخر عمر سلطان سنجر چند ماهی وزیر وی بوده است
مبادرت باین کار کرده و این ادعا را با اینکه در بعضی کتب نوشته شده
مقرون بصحت نمی‌دانم و در صفحه ۵۱ جلد دوم مطلع‌الشمس تألیف محمد
حسن اعتمادالسلطنه در این مورد قصه عجیب ذیل را نقل میکند و
عبارتش چنین است:

«...»

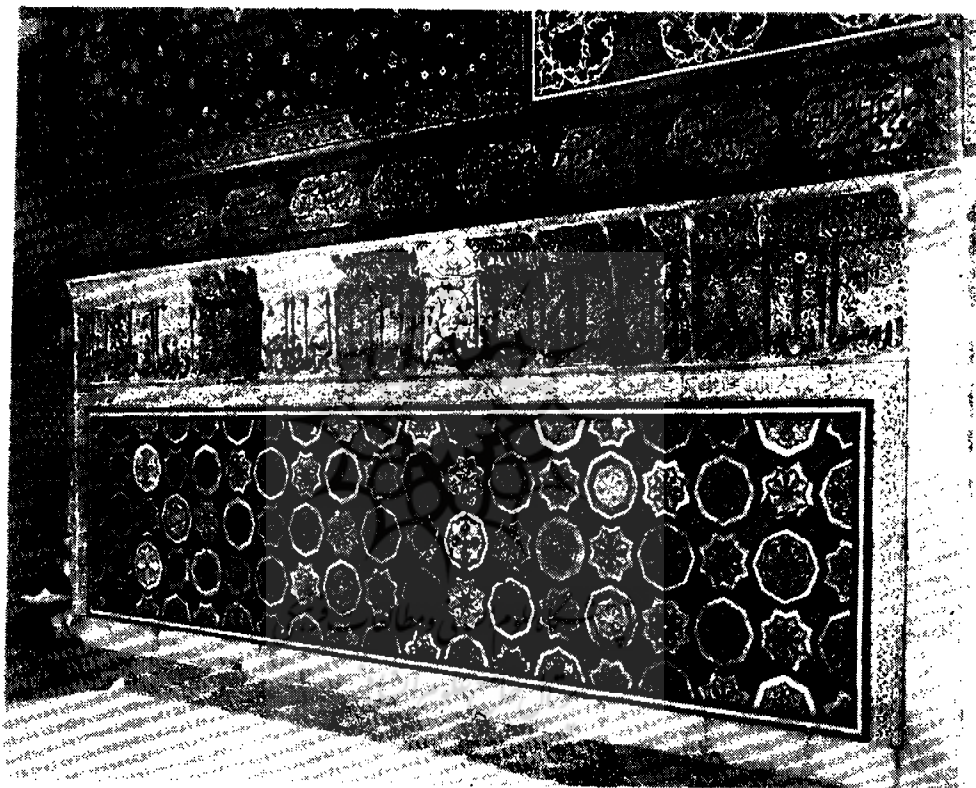
«گویند سلطان سنجر را پسری بود مبتلا بمرض مزمنی معالجه و
تغییر آب و هوا را سفری بطوس نمود . در اراضی طوس روزی در اثنای
شکار آهوتی را تعاقب میکرد ، آهو داخل چهاردیوار روضه مقدسه شده
پناه ناین مکان شریف برد . پسر سلطان هرچه کرد که اسب داخل چاردیوار
شود نشد ، دانست که اینجا روضه مقدسه حضرت رضا علیه‌السلام است .
بدعا و استشفای خود پرداخت و روان امام همام را شفیع ساخت و در
حال شفا یافت واقعه را بعرض سلطان رسانید و تجدید عمارت روضه را
استدعا نمود سلطان بشرف‌الدین ابوطاهر مثال داد و این کار پرداخته شد
شهربند کوچکی نیز بنا نمود و بعضی بجای پسر سلطان سنجر پسر وزیر
سلطان سنجر را گفته‌اند و بهر حال مقتضای ظن متاخم بعلم این است که
این قصه را رأساً صحیح ندانیم بلکه شرحی موضوع در مقابل انکشاف
تربت مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام باشد ولی در عمارت و
بنا شرف‌الدین ابوطاهر قمی شکی نیست» .

قصه مذکور افسانه‌ای ناقص بیش نیست زیرا قصه پرداز تصور کرده که در قرن ششم هجری اطراف حرم محترم بیابان بوده و باب حرم هم همیشه باز بوده یا اینکه اساساً در نداشته و آهو هم در آن بیابان یافته می‌شده که پناه بروضه مطهره ببرد و این بیان مطلقاً برخلاف سابقه تاریخی مرقه مطهر امام است و بعلاوه سلطان سنجر پسری نداشته و اگر فرزندی میداشت بعد از مرگ پدر شاید بساطنت میرسید و چنین بیانی در تواریخ بعد از سلطان سنجر دیده نشده است و بنای شرف‌الدین ابوطاهر قمی را که مرحوم اعتمادالسلطنه در آن شکی ندارد برخلاف نظر ایشان بنده یقین دارم که چنین امری واقع نشده و شرف‌الدین در تهیه کاشی‌های تزئینی ازاره حرم مطلقاً اقدام و دخالتی نداشته و بشرحی که قریباً ذکر می‌شود کاشی‌های حرم محترم را ترکان زمرد ملک دختر سلطان محمود بن محمد بن بفرخان که پدرش خواهرزاده سلطان سنجر بوده ساخته و نصب کرده است و توضیح این مطلب طبق عبارت کتبه کاشی‌های ازاره حرم بهمین نزدیکی نوشته می‌شود.

یکی از موارد مبهم و تاریک تاریخ کاشی‌ها همین بانی کاشی‌های ازاره است و نویسنده که کوچکترین محقق در تاریخ خراسان می‌باشم سعی دارم که مطالب تاریخی را با مستند قوی ذکر نمایم تا حقیقت و واقعیت موضوع کاملاً روشن گردد و اکنون برای بی‌اساس بودن اظهارات صاحب مطلع الشمس بهمان کتاب استناد کرده و معروض میدارم که در صفحه ۶۳ همین کتاب عبارت ذیل را می‌خوانیم:

«در کاشی‌های ازاره دور روضه مطهره خطوطی رسم است بلانرتیب و گسسته که علی‌التحقیق و بالبداهه این تفرق از بابت تلاحق مرمت‌ها بهم

رسیده و هردفعه که این مقام را عمارت کرده‌اند چون کاشی‌های ازاره در نهایت نفاست و لطافت و امتیاز بوده‌است بهمان‌ها داخله حرم را مزین ساخته‌اند و ملاحظه ترتیب و ربط عبارات را نموده‌اند و چون این خطوط با وصف انفصامات و ارسالات و سقطها و تفرقات که از این جهت بهم



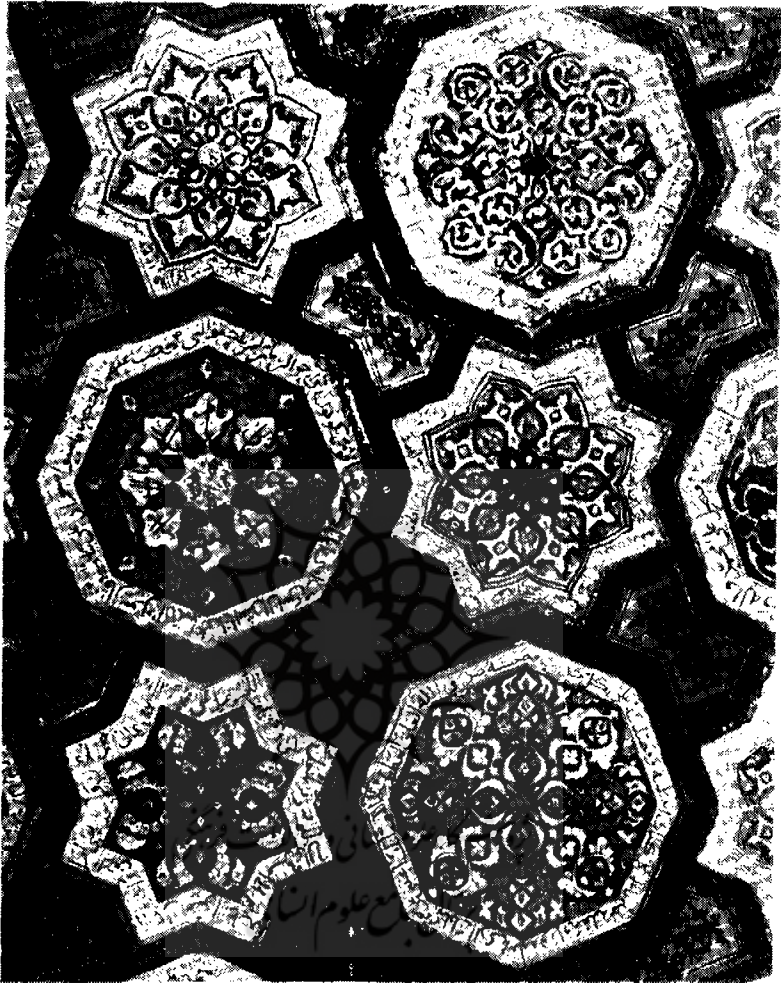
عکس کاشی‌های ازاره حرم محترم

رسیده بقواید عدیده از قبیل اعلام باسامی بعضی از ماوک و تواریخ مرمت‌ها و اسامی بانی‌ها و غیر ذلك اشتمال داشت حراً علی کشف الآثار و ضبط الاخبار و قیدالواابد و صیدالشوارد بسیار از آنها را ثبت نموده در این مجلد مخلد ساختیم و قطعات منصرمه را همه جا بمابین الهلالین محدود

داشتیم». جملات صاحب مطلع الشمس چنین است :

«الدهر عصمة الدين صفوة»، «برهانها توفیت فی سنة»، «والسلاطين سلطان»، «بن محمد بن طغرل خان انارالله برهانهم»، «سنجر ابی الفتح محمد بن سلطان»، «سید سلاطين العرب» «المعظم سلطان»، «جرى تجديد هذه العمارة»، «السيد الاجل»، «سنة اثني عشر»، «دستور خراسان ابی المعالی بن الحسين»، «صاحب»، «برداش مضجعه»، «بن یحیی بن علی بن جعفر الموسوی انارالله برهان»، «ابن هبة الله الحسينی»، «الفقير المحتاج الی رحمة»، «الحسن بن علی بن محمد بن یحیی»، «والمسلمین اعدل الملوک» «العبد المذنب»، «صدر العالم»، «الدنيا والدين غياث الاسلام»، «بدر الإسلام والمسلمین»، «الكبيره زبدة»، «نساء اهل البيت بنت طاهر الموسوی»، «برياسة الامير السيد الصدر الكبير قوام الملة والدين شرف الاسلام»، «اعظم مالک رقاب»، «والعجم المنصور من السماء»، «المظفر علی الأعداء»، «علاء»، «شاهنشاه الاعظم»، «بتاریخ شهر الله المبارک عمت برکت»، «وخمسة مائة من الهجرة النبوی علیه السلام» «ترکان زمرد ملک بنت سلطان شهید محمود» عبارات ازهم کسسته نقل شده از صفحه شصت و سه جلد دوم مطلع الشمس نامنظم است و هرگاه عبارات مذکور را بخوایم مرتب و منظم ساختن نتیجه بگیریم چند کلمه افتاده را باید فرض کرده بر مفاد عبارات موجود اضافه کنیم تا منظور حاصل آید و این کار را ناچیز فراهم کرده و کلمات فرضی را که اضافه شده بین دو هلال قرار دادیم و در نتیجه از عبارات درهم ریخته کتیبه کاشی های ازاره حرم مطهر چنین بدست می آید :

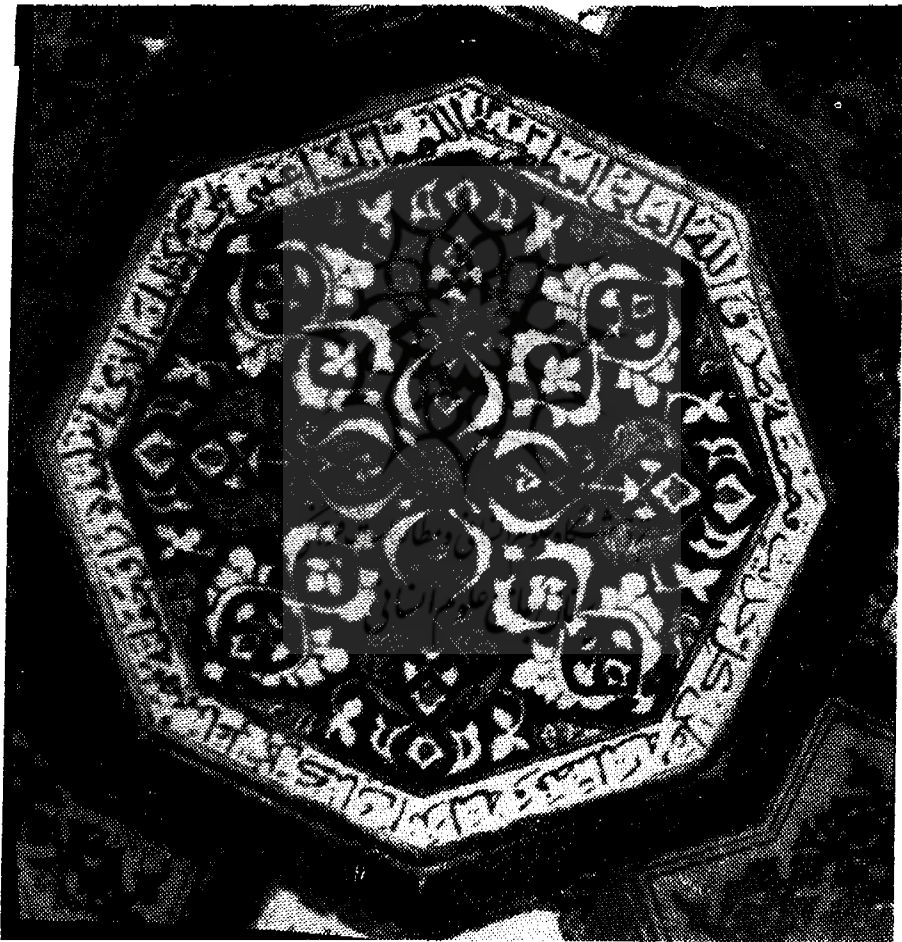
(فی ایام دولة) شاهنشاه الاعظم ... اعظم مالک رقاب (الامم) سید السلاطين العرب والعجم المنصور من السماء المظفر علی الأعداء علاء الدنيا والدين غياث الإسلام (والمسلمین) اعدل الملوک والسلاطين سلطان ... سنجر ابی الفتح محمد بن سلطان المعظم السلطان ... بن محمد طغرل خان انارالله



عکس بزرگ‌نمایی از کاشی‌های ازاره حرم مطهر

برهانهم جرى تجديد هذه العمارة . برياسة الأمير السيد الصدر الكبير . قوام الماسة والدين . شرف الإسلام صاحب (المعالي) صدر العالم . بدر - الإسلام والمسلمين . السيد الأجل دستور خراسان ابي المعالي بن الحسين بن يحيى بن علي بن جعفر الموسوي انار الله برهانه و برد الله مضجعه (من مال

زاهده) الدهر عصمة الدين صفوة (الدنيا) ترکان زمرد مالکة بنت السلطان شهيد محمود (بهنایة سيدة) الكبيره زبدة نساء اهل البيت بنت طاهر الموسوى انارالله برهانها توفيت فى سنة اثنى عشر و... او بمباشرة العبد المذنب الفقير المحتاج الى رحمة (ربه) (ابى) الحسن بن على بن محمد بن يحيى بن هبة الله الحسينى بتاريخ شهر الله المبارك عمت بركنه... وخمس مائه من الهجرة النبى عليه السلام -



يكي از كاشى‌هاى ازاره حرم متضمن حديث

سالی که این کاشی‌های ازاره ساخته شده بواسطه سقط آحاد و عشرات کاملاً بدست نمی‌آید ولی خمس مائرا دارد و با توضیحاتی که نوشته میشود سال تقریبی نزدیک بتحقیق بدست خواهد آمد و سعی ما در این است که بانی کاشی‌های ازاره را با افراد علاقه‌مند به آثار باستانی بشناسانیم و معرفی کنیم و چنین بنظر میرسد که طبق کتیبه فوق ترکان زمر دملک یا ملکه بنت سلطان شهید محمود بانیه موقه این اثر عالی میباشد و حال باید توضیح دهیم که این خاتون هنرمند و نیکوکار و پدرش سلطان محمود شهید کیست .

ترکان زمر دملک اضافه بر اینکه بتوفیق خداوند تعالی سعادت تهیه کاشی‌های ازاره حرم امام علیه‌السلام را بدست آورده و ازاره حرم را با بهترین کاشی‌های قرن ششم هجری زینت داده و اثری بس گرانبها از خود بیادگار گذاشته و نام خود را برای همیشه جاویدان ساخته یکی از خطاطین هنرمند عصر سلجوقی است و این بانوی سعادت‌مند خوش‌بخت نیکوکار یک دوره سی‌پاره قرآن مجید را بخط خود نوشته و وقف بر آستان قدس قرار داده است که ده‌جزو آن اکنون در کتابخانه آستان قدس رضوی بشماره‌های از ۳۵ تا ۴۴ بنام واقفه مذکوره در ثبت دفاتر کتابخانه وارد شده است و در ضمن جزوانی از قرآن که اخیراً بین دو سقف عمارت آستان قدس بدست آمده باز هم از سی‌پاره‌های وقفی زمر دملک وجود دارد که تعداد صحیح آنرا در دست ندارم و بقیه سی‌پاره‌های وقفی وی در مهاجمات ازبک‌های بلخ و بخارا در اوایل صفویه که مشهد قتل‌عام و غارت شده و جواهرات و کتب و قرآن‌های آستان قدس و بسیاری از وقف‌نامه‌های موقوفات را بیغما برده‌اند از بین رفته است و در هر حال اگر یک‌جزوه از قرآن دست‌نوشته زمر دملک هم باقی مانده بود برای منظور ما کفایت میکرد و در پشت هر جزو وقف‌نامه‌ای بدون تاریخ بعبارت فارسی نوشته شده و عبارت آن بسیار

وَقَفَّكَ عَلَى الْمَذْجِ قَدْرًا

مَنْ يَنْتَلِ بِرُضْوَى سَلَامًا

اللَّهُ يَمُوكَ عَلَى مَا كُنْتَ بِرَدِّكَ

لَيْتَ سَلْطَانَ حَجْرٍ دُونَكَ أَحْلَى

مِثْلَ اللَّهِ مَرِيئًا

مختصر و مفید بنظر میرسد و عبارت وقف جزوه‌ها که عکس آن در این صفحات است چنین می‌باشد :

«نوشت و وقف کرد این سی پاره برمشهد مقدس رضوی سلام الله تعالی علی ساکنه زمردمملک بنت سلطان محمود و هذا خطها تقبل الله منها». در سالی که زمردمملک سی پاره‌ها را نوشته پدرش سلطان محمود زنده بوده است و لیکن در کتیبه کاشی‌های ازاره روضه منوره نام او ترکان زمرد مملک بنت سلطان شهید محمود ذکر شده است و جمله خمس مائه نیز در کتیبه کاشی‌ها دیده میشود النهایه عدد آحاد و عشرات سال ازین رفته و در این مورد توضیح داده خواهد شد .

این خاتون نویسنده خطاط و نیکوکار خواهری داشته بنام الغترکان و نامبرده هم جزواتی از قرآن مجید را وقف بر آستان قدس کرده است و عبارت وقف‌نامه پشت جزوات وقفی الغترکان عربی است و مؤید گفتار ما درباره سلطان محمود شهید خواهد بود و عبارتش چنین است :

«وقفت هذه الأجزاء العشرة مع الصندوق الملكة المعظمة العالمة العادلة جلال الدين والدنيا معزة الإسلام والمسلمين افتخار آل افراسياب و سلجوق الغترکان خاتون بنت السلطان السعيد محمود بن محمد بن بقرخان نورالله حفرتها على المشهد المقدس النبوی الرضوی علی ساکنه الصلوة والسلام ليقروا الزوار والسكان ويدعوا لواقفه وقفا موبدا مخلدا لا یباع ولا یوهب ولا یخرج من القبة المقدسة ولا یورث الی ان یرث الله تعالی و هو خیر الوارثین» .

وقف‌نامه‌های الغترکان مانند وقف‌نامه خواهرش زمردمملک تاریخ رقفرا ندارد و پیداست که در زمان حیات پدرش سلطان محمود این جزوه‌ها نوشته شده است .

جوهر نسب (گوهر نسب) نام نواده دختری سلطان سنجر است و او



صفحة اول جزوة قرآن مجيد بخط زمرد ملك سلجوقى

دختر محمود بن محمد بن ملک شاه سلجوقی است که سلطان محمود بدو نوبت داماد سلطان سنجر بوده است و برای توضیح بیشتر معروض میدارد ملک شاه سلجوقی فرزندان بنام برکیارق و سلطان محمد و سلطان سنجر داشته و فرزند کوچکتر او که مادرش ترکان خاتون دختر طغماج خان پادشاه ماوراءالنهر میباشد نامش محمود است و در مورد این محمود که کوچکترین فرزند ملک شاه است بعداً توضیح داده خواهد شد .

جوهر نسب مانند دختران سلطان محمود خواهرزاده سلطان سنجر جزواتی از قرآن را وقف بر آستان قدس کرده و فقط دو جزوه از وقف گوهرنسب بشماره های ۴۵ و ۴۶ در دفاتر کتابخانه آستان قدس ثبت شده و بقیه اش در غارهای مشهد بدست ازبکها در عهد صفویه از بین رفته است عکس و قفنامه گوهرنسب و یک صفحه از جزوه وقفی وی در این اوراق نهاده شده و عبارت و قفنامه اخیر چنین است :

وقفت الخاتون السيدة الملكة العادلة تاج الدنيا والدين ملكة نساء العالمين جوهر نسب بنت السلطان الأعظم محمود بن محمد بن ملک شاه قدس الله ارواحهم هذه الربعة المشتملة على ثلثین جزوا من کتاب الله العزيز على المشهد الامامی الرضوی الموسوی سلام الله على ساکنه و تصدقت بها و قفا موبدا لا یباع ولا یوهب ولا یورث حتی یرث الله الأرض و من علیها و هو خیر الوارثین فی شهر ربیع الأول سنه اربعین و خمسمائه تقبل الله منها .

جزوات وقفی الغرکان شامل سه جزو از قرآن میباشد و تمام قرآن را در ده مجلد فراهم کرده است و در و قفنامه هم مینویسد «هذه الأجزاء العشرة مع الصندوق» که حاکی از این است که این جزوات صندوق مخصوصی هم داشته است و فقط دو جزو شامل شش جزو از قرآن از وقفی جوهر نسب باقی مانده است .

جزوات وقفی گوهرنساب که تاریخ وقف آن پانصد و چهل هجری میباشد دوازده سال قبل از مرگ سلطان سنجر وقف گردیده است و چون تعلیم خط و اکتساب کمالات دیگر بین شاهزاده خانم های ساجوقی معمول بوده و زنها در این قبیل امور یکنوع رقابت را همواره رعایت مینمایند و چون جزوات زمرد ملک را خودش نوشته است احتمال میدهم که جزوات وقفی الخ ترکان خواهر زمرد ملک و گوهرنساب که دائی زاده این دو خاتون است شاید خط خودشان باشد و این نظر صرفاً يك حدس بیش نیست .

اکنون بمورد است بینیم سلطان محمود پدر زمرد ملک یا الخ ترکان کیست و سلطان محمود پدر جوهرنساب چه کسی میباشد باینجهت توضیح میدهم که در بین سلاجقه ایران سه نفر بنام محمود در تواریخ ذکر شده بشرح ذیل :

۱- بطوریکه فوقاً اشاره شد کوچکترین فرزند ملکشاه سلجوقی محمود نام داشته و مادر او ترکان خاتون اصرار داشته که محمود را ولیعهد ملکشاه قرار دهد در صورتیکه خواجه نظام الملك وزیر مقتدر ملکشاه نظرش بر سلطان برکیارق بوده و این اختلاف نظر موجب شد که ترکان خاتون از خواجه نزد ملکشاه بدگویی کند و او را نسبت بخواجه دلسرد سازد و بالاخره سعایت ترکان خاتون سبب عزل خواجه نظام الملك شد و بجای خواجه ملکشاه صاحب دیوان ترکان خاتون تاج الملك قمی را بوزارت خود معلوم کرد و بسعی تاج الملك قمی و میل و اشارت حسن مسیح درنهاوند یکی از فدویان اسماعیلیه بنام ابوطاهر اوانی باکارد مسموم خواجه را زخم زد و بهمان زخم خواجه درگذشت و در این موقع ملکشاه در بغداد بود و وی هم هجده روز بعد از مرگ خواجه بدیار دیگر انتقال یافت و ترکان خاتون در صدد پرآمد طفل خردسال خود محمود را با تصویب خلیفه عباسی سلطان

ایران قرارداد و در ابتدا خلیفه این تقاضا را نپذیرفت و با دریافت نقد و جنس بسیار رضاداد و ترکان خاتون و محمود روانه اصفهان پایتخت ملکشاه شدند و ترکان خاتون فرزند خود را سلطان نامید و بغاصله کمی طفلك محمود در سال ۸۶۱ آبله برآورد و مرد و آرزوهای ترکان خاتون یکسره بر باد رفت و بعد از مرگ محمود بر کیارق که ولیعهد پدر بود سلطنت پرداخت و در سال ۹۰ قمری خراسان را تماما قبضه کرد و برادر خود سلطان سنجر سپرد و در سال ۹۸ قمری که بیست و پنج ساله شده بود فوت کرد و مدت سلطنتش سیزده سال است.

پس از بر کیارق محمد بن ملکشاه بجای برادرش سلطنت ایران رسید و حکومت خراسان را مانند قبل سلطان سنجر داد و در سی و هفت سالگی در سال ۱۱۱ قمری عمرش پایان رسید و سیزده سال در ایران سلطنت کرد. پس از فوت سلطان محمد بن ملکشاه، سلطان سنجر سلطنت ایران پرداخت و چهل و یک سال سلطنت کرد و حال آنکه قبلاً بیست سال از طرف بر کیارق و سلطان محمد حاکم خراسان بود.

سلطان سنجر در سال ۷۹۴ در شهر سنجار نزدیک موصل متولد شده باینجهت او را سنجر میگفتند و چون هفتاد و دو سال و چند ماه از عمرش گذشت در سال ۵۵۲ قمری فوت کرد.

سلطان محمد بن ملکشاه فرزندی بنام سلطان محمود داشت و این سلطان محمود پدر جوهر نسب یکی از واقفین قرآن‌ها بر آستان قدس است و سلطان محمود که برادرزاده و داماد سلطان سنجر بود در مغرب ایران حکومت داشت و در سال ۵۲۵ قمری در همدان فوت کرد.

سلطان سنجر خواهرزاده‌ای داشته که بعد از درگذشت سلطان سنجر (سال ۵۵۲) در خراسان حکومت یافت و صاحب روضة الصفا میرخواند

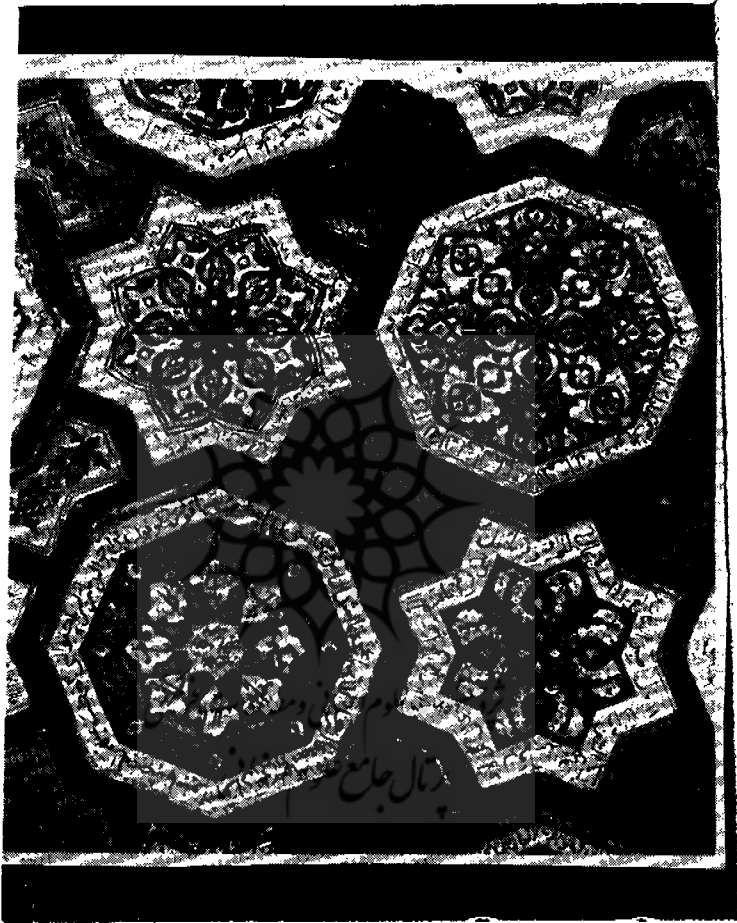
در صفحه ۳۱۹ جلد چهارم کتاب خود در مورد سلطان محمود چنین مینویسد: «بعد از وفات سلطان (سنجر) خواهرزاده اش محمود خان که از جانب پدر نسبش به بغراخان منتهی میشد بحکومت خراسان اشتغال نمود و چون مدت پنج سال و شش ماه از حکومت او منقضی شد یکی از خاص سلطان سنجر بر وی خروج کرد، در نیشابور او را میل کشید و بعد از آن بعضی از خراسان بدیوان خوارزمشاهیان تعلق گرفت و بر برخی از آن دیار غوریان حاکم شدند».

بشرح فوق محمود خان یا سلطان محمود پدر ترکان زمر دملک و پدر الغ ترکان دو واقعه جزوات قرآن مجید بر آستان قدس میباشد و الغ ترکان در وقف نامه پشت جزوه قرآن پدرش را السلطان السعید محمود بن محمد ابن بغراخان بصراحت نام میبرد که بانام سلطان محمود خواهرزاده سلطان سنجر منطبق است.

جزوات وقفی زمر دملک و الغ ترکان با اینکه سال وقف را ندارد در وقتی نوشته شده که پدرشان زنده بوده زیرا نام پدر را سلطان محمود بدون وصف و قید دیگر ذکر میکنند ولیکن در کتیبه کاشی های ازاره روضه منوره زمر دملک نام پدر را سلطان محمود شهید مینویسد لذا این طور بنظر میرسد که کاشی های مذکور بعد از مرگ سلطان محمود تهیه و وقف شده است و نظر باینکه سلطان سنجر در بیست و هشتم ربیع الاول سال ۵۵۲ قمری فوت کرده و سلطان محمود پنج سال و شش ماه بعد از سلطان سنجر در خراسان حکومت کرده سال فوت محمود پانصد و پنجاه و هفت قمری خواهد بود و چون در کتیبه کاشی ها نام پدر واقعه سلطان محمود شهید نوشته شده روشن خواهد بود که کاشی های ازاره حرم محترم بعد از سال ۵۵۷ قمری و یا در چند سال بعد آن تهیه شده است و چون خمس ماژرا در کتیبه داریم

میتوان گفت که کتیبه در یکی از سالهای نیمه دوم قرن ششم هجری از طرف واقفه معظمه در روکار ازاره حرم نصب گردیده است.

کاشی‌های ازاره حرم به شکل هشت گوش بزرگ و کوچک و ستاره



شانزده ضلعی است و در روی کاشی‌ها احادیث و آیات و کلمات قصار و امثال و اشعار بخط نسخ قرن ششم نوشته شده و نوع کاشی‌ها بسیار نفیس و

ظریف و دارای رنگهای لاجوردی و قهوه‌ای و تفراری و فیروزه‌ای و سفید است و در چهارطرف ازاره حرم مطهر نصب گردیده و ارتفاع ازاره قبلا دو متر و بیست سانتیمتر بوده و اکنون یکمتر و هشتاد سانتیمتر است و در این مورد توضیح خواهیم داد اکنون برای نمونه چند جمله از مطالب روی کاشی‌ها را در اینجا ذکر میکنیم :

- ۱- قلب الاحمق فی فیه ولسان العاقل فی قلبه
- ۲- اخوك من ساواك فی الشدة
- ۳- الشرف بالعقل و الادب لا بالأصل و النسب
- ۴- طلب الأدب اولی من طلب الذهب
- ۵- قال رسول الله صلی الله علیه لا علم کالتفکر
- ۶- آه من قلة الزاد و بعد السفر
- ۷- الولادة رسول الموت
- ۸- المرء مخبوء تحت لسانه
- ۹- المرء يعرف بايمانه **و الله كما يشاء مدرسه فيضيه قسم**
- ۱۰- المرء عدو لما جهله

این کلمات بسیار است و ذکر تمام آنها میسور نیست .

در ضلع جنوبی حرم مطهر نمای دو محراب نفیس یکی در مقابل ضریح مطهر و دیگری نزدیک بزایه جنوب شرقی در سال ۶۱۲ قمری نصب شده و دارای بهترین کاشی‌های شبیه بچینی است و آیات و عبارات مفصلی دارد که ذکر آنها در اینجا منظور نمیباشد و نکته‌ای که بسیار واجب است ذکر شود اینست که در سال ۱۳۴۳ شمسی کف حرم مطهر را قریب چهل سانتیمتر بالا آوردند و اینکار موجب شد که در حدود چهل سانتیمتر از کاشی‌های وقفی زمره ملک در تمام دوره روضه منوره و از کاشی‌های دو محراب نفیس

مصادف با خاک شده و احتمالاً در مجاور خاک مرطوب مشهد صدمه ببینند. بنابراین از باب ارزش و اهمیت فوق‌العاده زیاد این کاشیهای نفیس و ارادت و انتساب باین آستان مقدس پیشنهاد میکنم مراتب دقیقاً رسیدگی شده و در صورت لزوم اقدامات احتیاطی بعمل آید.

پژوهشگر ارشد و استادیار گروه باستان‌شناسی و تاریخ
عبدالحمید مولوی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی